

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۱۰ سپتمبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۱۴۴

مُقَطَّعات

۴۵

تقاضای تبدیلی جای و مقام در دربار

سرور^۱ در صف خدمت به گه فیض حضور جایگاهی، که من آن جایگه، از روی ادب هست در یک طرف من، زُحَلِ خشم‌آلود گاه آن دوش به من می زند، از سوی یمین آن به فلسی نخرد، جمله علم تنجیم بنده مانند عطاژد، به میان نحسین^۴ می رسد بر من مسکین ز رفیقان، آزار دست بر سینه ستاده شوم، اندر صفِ آبار هست بر یک طرف من دَنبِ^۳ مردمخوار گاه این فحش به من می دهد از طرف یسار وین به دانگی^۲ نستاند، همه گنج اشعار یا چو کبکی به میان دو عقابِ قَهَّار

^۱ الف. خسروا

^۲ "بار" مراد از "بارگاه" یا "دربار" است

^۳ "دنب" "به فتح‌تین" کلمه عربی و در معنای "دمب" است و درینجا مراد از ستاره ای معین در نجوم قدیم

^۴ "فلس" در معنای "پول سیاه" و "دانگ" مراد از یک سُدس درهم است

همچنین از من و دیدار من ایشان، بیزار
هیچ گه طوطی و کرگس نشود باهم یار
ورچه حکم تو کند یار به هم، باز و آدوچار
که مرا با کس و کس را نبود با من، کار
از چنین بنده سزد، گر نکند سلطان عار
شاعر و کاتب و نقاش و منجم هرچار
که بود مَحْرَم و در سلک خواص دربار
گلشن بخت ترا باد، همه ساله بهار

من از ایشان و از همراهی ایشان، دلتنگ
هیچ جا پنبه و آتش نشود، با هم جفت
گرچه عدل تو کند جمع به هم، آتش و آب
لیک جائی به من از لطف، عنایت فرمای
بنده ای را، که بود هفت صفت از دو طریق
پاک اخلاص و دعاگوی و قدیمی هر سه
خاصه حکم شه فردوس مکان^۷، در دستش
تا معطر شود از ابر بهاری، گلشن

^۵ "نحسین" تثنیه "نحس" و در معنای "دو نحس" است

^۶ "دوچار" باید نام کدام پرندۀ ضعیف باید باشد، که در چنگ باز و باشه و شاهین افتد

^۷ "حکم شه فردوس مکان" مراد از حکم "تیمور شاه درانی"، پدر "شاه محمود" است، که به موجب آن باید شاعر، از جمله مقربان دربار باشد!!!